

غربت قانون اساسی در حکومت وحدت ملی

رحیم حمیدی



اما، حکومت به خاطر مصلحت های سیاسی برگزاری انتخابات شورای ملی را به تعویق انداخته است. این نمونه کلان نقض قانون اساسی و زیر پا گذاشتن مواد قانون اساسی است. دو سال از شکل گیری حکومت وحدت ملی می گذرد. تا هنوز کابینه رئیس جمهور تکمیل نگردیده است. برخی نهادهای مهم دولتی با سرپرست ها اداره می شود. این مسئله خلاف اصول مسلم قانون اساسی کشور است. با این حال، رئیس جمهور غنی به این مسئله بی توجهی نموده است. او نه تنها که کاندید و وزیران وزارت دفاع ملی و ریاست عمومی امنیت ملی را به پارلمان معرفی ننموده است که آن ها را جابجا می کند و از اداره ای به اداره ای دیگر به عنوان سرپرست می گذارد. معصوم استانکزلی تا چندین پیش، سرپرست وزارت دفاع ملی بود. اکنون او سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی انتخاب شده است. وزارت دفاع ملی و ریاست عمومی امنیت ملی در حالی که سرپرست ها اداره می شود که جنگ در سراسر کشور گسترش یافته است و حملات گروه طالبان به صورت چشمگیر افزایش یافته است. بنابراین، اداره شدن نهادهای حکومت با سرپرست نمونه دیگری از نقض قانون توسط حکومت وحدت ملی است. بنابراین، قانون اساسی با وجود دموکراتیک بودن اما، غریب مانده است. کمتر کسی به آن اهمیت می دهد. کمتر کسی خود را متعهد به اصول مندرج در آن می داند. رعایت اصول و مواد قانون اساسی تنها در سخن خلاصه شده است. آن را به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای یک و نیم دهه گذشته می پنداریم اما، هیچ گاه خود را ملزم به رعایت آن نمی دانیم. بیشترین تلاش حاکمان سیاسی دور زدن قانون اساسی و حکومت بر مبنای سلیقه ها و اصول قبیله ای است. از این جهت، باید در مورد سخن رئیس جمهور تردید کرد. اگر به قانون اساسی احترام گذاشته شود باید به حکومت مشروعیت قانونی داده شود. انتخابات شورای ملی برگزار گردد و به سنت سرپرستی در کابینه خاتمه داده شود.

که تا سال ۲۰۳۰ حکومت هیچ پلانی برای رساندن برق به مناطق مرکزی ندارد. از این جهت، شهروندان حکومت و شخص رئیس جمهور را متهم به تبعیض می کند. در ماستر پلان برق کشور رساندن برق به مناطق مرکزی غیر از پروژه توتا در نظر گرفته نشده است. اکنون که رئیس جمهور بر مسیر سالنگ تأکید می کند نشان می دهد که او متعهد به اجرایی مواد و مفاد قانون اساسی کشور نیست. زیرا، قانون اساسی کشور به صراحت سخن از انکشاف متوازن به میان می آورد. اما، رفتار و تصمیم حکومت برخلاف اصول مسلم قانون اساسی کشور است. بنابراین، قانون اساسی مبنای رفتارها و تصمیم گیری حکومت و نخبگان سیاسی نیست. زمان کاری نمایندگان مردم خیلی وقت پیش به پایان رسیده بود. بسا این حال، ۵۰۰ کیلوولت ترانسفورماتور انتخاب کشور در حالی که قبل از آن براساس مطالعات علمی مسیر بامیان-میدان انتخاب شده بود. بسیاری از شهروندان کشور بر مبنای ماده مذکور قانون اساسی استدلال می کند

مردم در انتخابات اما، مشارکت مردم در پای صندوق های رأی تعیین کننده نبود. میان دو تیم تحول و تداوم و اصلاحات و همگرایی توافق سیاسی با میانجیگری جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا قانون اساسی داشته است. با این حال، نقض قانون اساسی تنها محدود به حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان نمی شود. حکومت فعلی نیز قانون اساسی را نقض نموده است. در ذیل تلاش می کنم چند مورد از نقض قانون اساسی را ذکر نمایم. دور سوم انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت کمترین مردم برگزار شد. انتخابات به دور دوم رفت. اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهور کنونی افغانستان با عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه حکومت یک نظام دموکراتیک مهمترین و بنیادی ترین عنصر مشکل دهنده حکومت مردم است. حکومت وحدت ملی با عبور از مردم شکل گرفت. مسئله بعدی این است که در قانون اساسی افغانستان پست ریاست اجرائیه پیش بینی نشده است. به عبارت دیگر، پست اجرائیه امری ابداعی از سوی

مردم در انتخابات اما، مشارکت مردم در پای صندوق های رأی تعیین کننده نبود. میان دو تیم تحول و تداوم و اصلاحات و همگرایی توافق سیاسی با میانجیگری جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا قانون اساسی داشته است. با این حال، نقض قانون اساسی تنها محدود به حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان نمی شود. حکومت فعلی نیز قانون اساسی را نقض نموده است. در ذیل تلاش می کنم چند مورد از نقض قانون اساسی را ذکر نمایم. دور سوم انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت کمترین مردم برگزار شد. انتخابات به دور دوم رفت. اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهور کنونی افغانستان با عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه حکومت یک نظام دموکراتیک مهمترین و بنیادی ترین عنصر مشکل دهنده حکومت مردم است. حکومت وحدت ملی با عبور از مردم شکل گرفت. مسئله بعدی این است که در قانون اساسی افغانستان پست ریاست اجرائیه پیش بینی نشده است. به عبارت دیگر، پست اجرائیه امری ابداعی از سوی

سرمقاله

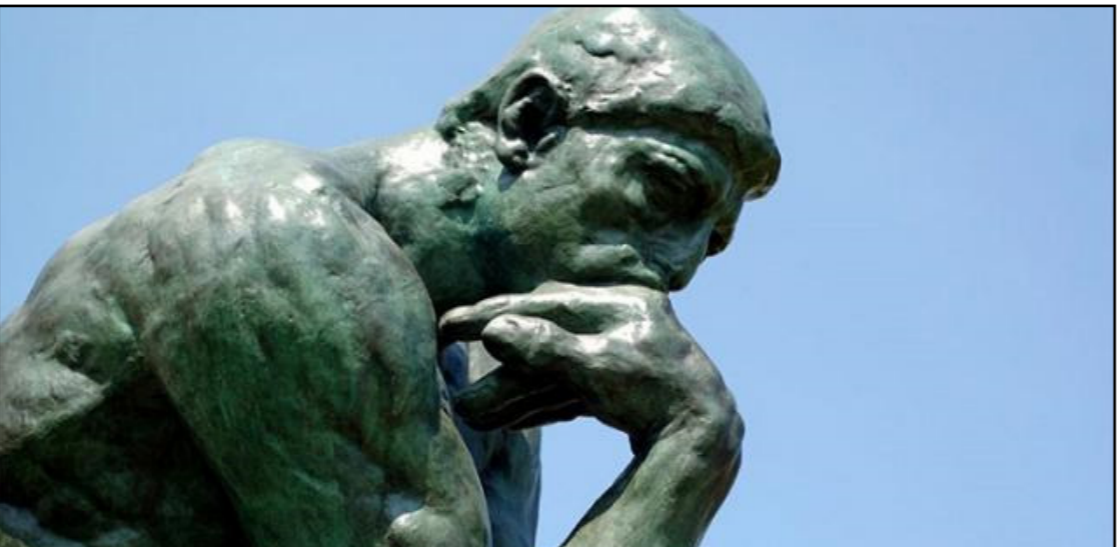
پاسخ دولت به نشانه های هشدار دهنده

محمد رضا هویدا

مدتی است که بغلان در آتش جنگ می سوزد و پایگاه های نیروهای دولتی و محلی یکی پس از دیگری در محاصره نیروهای طالبان قرار می گیرند. در عین حال، تلاش هایی برای انان سازی ولایت های دیگر از جمله بامیان نیز دیده شده است. بغلان در گذشته نیز از مشکلات امنیتی شدیدی رنج می برد و اکنون باری دیگر در کانون توجه حملات طالبان قرار گرفته است. توافق نامه دند غوری با طالبان، نشان داد که این تفاهم نامه یک حربه برای تقویت طالبان بوده و به هیچ صورت تضمینی برای صلح وجود نداشته است. وضعیت بغلان در امروز نباید را باید از مدتها پیش مطالعه کرد. زمانی که دولت در نبود یک استراتژی منظم برای جنگ و صلح با فرستادن هیئتی به تفاهم نامه دند غوری تون داد و طالبان به راحتی مکانی امن برای خود مهیا ساختند و از همان جا علیه کندز نقشه کشیدند و از همان جا علیه نیروهای دولتی در بغلان اقدام کردند و شاید از همین جا بامیان را تهدید می کنند. نادیده گرفتن نشانه های خطر در شمال افغانستان که در سال های گذشته اتفاق افتاد، سر انجام شمال کشور را تا مرز سقوط ولایت کندز پیش برد. اکنون نشانه های ناامنی در ولایات مرکزی افغانستان نیز نباید نادیده گرفته شود. ولایت ارزگان سالهای متدوامی است که در خطر قرار دارد و در ماه های اخیر از حملات طالبان به شدت رنج می برد. ولایت ارزگان با دایکتی هم مرز، و بامیان با بغلان هم مرز هستند، بدین ترتیب هر دو ولایت امن کشور در خطر نفوذ ناامنی از سوی ولایت های نزدیک شان قرار دارند. امیدواری به صلح سراسری در افغانستان در آینده ای نزدیک وجود ندارد. هر چند توافق نامه صلح با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار مراحل پایانی خود را طی می کند و دولت امیدوار است صلح با حزب اسلامی افغانستان را به صلح دائمی نزدیک تر بسازد، ولی باید منتظر آینده بود که این صلح تا چه اندازه ای برای افغانستان ثبات و امنیت به بار می آورد. حزب اسلامی به رهبری حکمتیار مخالفان جدی و سرسختی در داخل و خارج از حکومت دارد، و صلح با این گروه نیز مخالفت های جدی ای را در پی داشته و دارد. بدین جهت باید منتظر آینده بود تا نتیجه صلح با حزب اسلامی را ببینیم. شور و اشتیاق دولت از رسیدن توافق با حزب اسلامی نباید باعث شود تا ولایات دیگر مورد بی توجهی قرار گرفته و در برابر حملات طالبان ضربه بپذیر شوند. مهمترین مسئله ای که از وضعیت بغلان و هلمند و ارزگان استنباط می شود، ضعف استراتژی دولت در مبارزه با طالبان است. دولت حتما برای افراد رده اول امنیتی کشور برنامه ای ندارد. جابجایی های بی دریغی سرپرستان در نهادهای امنیتی، مطمئنا تاثیر منفی بر وضعیت ایس ادارات در مبارزه با طالبان دارد. هر کدام از نهادهای امنیتی وضعیت کاملا سخت و دشواری را از آغاز سال روان شاهد بوده اند. حملات سنگین انتحاری بر یکی از ادارات امنیتی در کابل، حملات سنگین بر هلمند و ارزگان و بغلان برای دولت افغانستان تجربه سختی بوده که می بایست پاسخ مناسبی به آنها داده می شد. اما دولت نتوانسته با هماهنگی کامل به این حملات پاسخ دهد. پاسخ جدی و قاطع دولت به ناامنی ها و اعلام هشدار دهنده مهمترین پشتیبان صلح و ثبات دائمی خواهد بود. در غیر این صورت تضعیف مواضع دولت در شمال از ولایات، وضعیت کلی دولت را در مقابل دشمنانش ضعیف تر خواهد ساخت.

نسبت قوانین منطق با قوانین طبیعت

پیتر میتل اشتات، برگردان: علیرضا محمدی/قسمت هفتم و پایانی



بی اثر و بوج نشده اند: واقعیت های تجربی به یک انتخابی از قوانین منطق برای کاربرد مخصوص دست می زند تا اینکه به تخته بینجامد. از اینرو قوانین انتخابی منطق به دامنه صحیح منطق تعلق دارد. ۴-۵- پاسخ دادن به این اعتراض و به خصوص به نظریه بیان شده در مقدمه و در قطعات بعدی قوانین تفکر Boole شبیه به قسمت های داده شده در ۳.۴ باری راسل می باشد. کلیت و عمومیت قوانین منطق حتی در بهترین تجارب آزمایشی عملگرهای ذهن انسانی نمی تواند فورا به وسیله این عملگرها در معنای تجربه انسانی سوژکتیو توجیه شود. از اینرو، همان طور که از تاریخ ریاضیات و علوم به خوبی شناخته شده است، بعضی گزاره ها که به عنوان روشن ترین اکسیوم ها با نتایج تجربی ناسازگار و ناهماهنگ می شود.

این حتی آنهایی را که به قوانین منطق احترام می گذارند را دربر گیرد که استدلال بر مبنای یک فرض متناقض بنا شده است و تقریبا به مانند یک پارادوکس هست. راجع به دومین نکته این می تواند گفته شود که مستقل از عقاید راسل و کس، قوانین منطق شریای لازم برای اشباع قوانین طبیعت را فراهم نمی کنند و بنابراین نمی تواند قوانین طبیعت باشد. قوانین منطق خصوصیات ثابت و حفظ شده را توصیف نمی کنند زیرا آنها هر خصوصیتی را اجازه ظهور می دهند (هیچ چیزی را به جز آنهایی را که ناسازگار هستند رد نمی کند) قوانین منطقی دارای محتوای تجربی آگاهی بخش نیستند. آنها به واقعیت عینی مستقل ذهن در معنای تجربی- هستی شناسانه ارجاع نمی کنند ولی به هستی مندهای مفهومی عینی ارجاع می کنند. ۴-۴- جواب به این اعتراض از بخش دامنه ای کاربرد روشن است. قوانین منطق قوانین طبیعت نیستند. ابتدا به خاطر آنکه مورد اولیو پیشین کامل است، و دومی کامل نیست. دوم اینکه، محدودیت های کاربرد (i), (ii) قوانین منطق را بی اثر یا محدود نکرده است ولی کاربرد آنها را محدود می کند و شاید بعضی پیش فرضها را محدود سازد که قوانین منطق نیستند ولی قالب و شکل برگزارها و بر محمولات مورد استفاده در قوانین حکومت می کنند. این واقعیت که قوانین منطق قابل استعمال و اجرا در حوزه های قطعی علوم تجربی نیستند و در سایر حوزه ها (به خصوص در علوم صوری) بدون هیچ مشکل و با محدودیتی قابل اجرا هستند نشان می دهد که به خاطر محدودیت در اجرا و عمل

هستند (خصوصیات ناسازگاری در یک لحظه ندارند) که اگر مقدمات را اشباع و برآورده سازند نتیجه های منطقی را نیز اشباع می کند و غیره. وقتی گفته می شود که قوانین طبیعت، عناصر عالم سخن علوم طبیعی را قاعده مند می سازند آنگاه قوانین طبیعت در معنای (۲) قانون مانند ساختمان (طبیعت) یا در معنای (۱) فهمیده می شود (قانون صدق). ۴-۳- با توجه به این اعتراض متوجه دو نکته می شویم: اول این اعتقاد که قوانین منطق می توانند بوسیله واقعیت سازگار توجیه و یا دوباره اصلاح شوند دوم اینکه آیا عدم استدلالی از منظر این دست نگاه می تواند نشان دهد که قوانین منطق قوانین طبیعت نیستند. با توجه به نگاه اول یک نفر می تواند نشان دهد که عقیده راسل به نتایج پوچ و ناموجهی منتج می شود. هر چند یک نفر می تواند بپذیرد که گزاره های تحقیق پذیر به شکل متناهی راجع به (قسمت متناهی) اعداد طبیعی (یعنی جدول ضرب) نقش های بنیه مستقیم را (ادارک حسی) برای فهم ابتدایی بازی می کنند یا حتی این کار را برای ساختن سیستم اعداد طبیعی در یک روش ساخت گریانه انجام می دهد. ۱۸۴۰ به وضوح غیرقابل تصرف و غیرمحسوس به نظر می رسد که چنین «توجهی» را نسبت به سایر دامنه های ریاضیات گسترش دهیم. همچنین برای کلیت و عمومیت قوانین منطق قابل قبول نخواهد بود. بنابراین، این قوانین منطقی که همگی نتایج منطق از مقدمات صادق، صادق هستند بوسیله ادراک حسی قابل توجیه نخواهد بود. با توجه به

عقیده ی کوبین یک نفر می تواند جهت داشتن یک سیستم منطق ضعیف تر موافقت کند (بدون هم ارزشی) یعنی نتایج از منطق کلاسیک، به جهت کاربردی برای دامنه های معین بیرون از منطق، برای مثال ریاضیات از نظر شهودگرایی، ولی از این نظر این معنا را نمی دهد که یک نفر نمی تواند هر قانون منطق را اصلاح کند. برای مثال در این معنا یک نفر نمی تواند اصل نتیجه منطقی یا یک خوانش متساواته از اصل عدم تناقض را اصلاح کند. از طرف دیگر یک نفر نمی تواند حتی آنچه که یک طرح عمومی از همه منطق های فراسازگار هست بپذیرد. نپذیرفتن (اعتبار را) رد نمی کند و تنها مرتبط بودن آن را رد می کند) این استنباط که از یک تناقض هر جمله ای می تواند نتیجه گرفته شود یک قضیه منطق کلاسیک است. مطابق با قید و محدودیت بالا چنین نتیجه ای یک بخش قابل جایگزین می باشد. این حرکت حتی به وسیله یک منطق کلاسیک یک مثل تارسکی مورد انتقاد قرار گرفته بود که: «یک تئوری غیر قابل دفاع می شود اگر در نتیجه آن دو جمله مستناق در آن بیاییم...» کسانی که با منطق مدرن آشنا هستند، پاسخ دادن به سؤال، به روش زیر متعادل شده اند. یک قانون منطقی شناخته شده نشان می دهد که یک تئوری که ما را قادر می سازد که دو جمله متناقض را نتیجه بگیریم، هم چنین ما را قادر می سازد که هر جمله ای را نتیجه بگیریم... من برخی شک های دارم که آیا این جواب شامل یک تحلیل مناسب است یا نه. من شکر می کنم که افرادی که منطق جدید و مدرن را نمی شناسند کمی متمایل شده اند که یک تئوری ناسازگاری را بپذیرند... و شاید



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا

مدیر مسوول: محمد رضا هویدا

سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan

Outlook

AFGHANISTAN

The Leading Independent Magazine